

مروری بر پراکنش واحدهای صنعتی در سطح کشور

علی منصوری

دکتر اصغر ضرابی

استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

چکیده

پراکندگی واحدهای صنعتی به عوامل متعددی از قبیل: قابلیت‌های منطقه‌ای، زیر بناها، سیاست‌گذاری‌ها، امکانات آموزشی و خدماتی، ظرفیت‌های تولیدی موجود در منطقه، ساختار جمعیتی و موجود بودن خدمات صنعتی و... بستگی دارد.

هر چند که توانهای منطقه‌ای باعث تفاوتی در تمرکز یا عدم تمرکز واحدهای صنعتی می‌شود ولی سیاست‌های صنعتی حاکم بر کشور از جمله، رشد صنعتی شتابان و ایجاد قطب‌های صنعتی به این تفاوت‌ها دامن زده و این تفاوت‌ها به عدم تعادل و نهایتاً به فقر و توسعه نیافتگی منجر خواهد شد این مقاله با توجه به آمار و ارقام اتخاذ شده به بررسی کارشناسانه پراکندگی واحدهای صنعتی در سطح کشور می‌پردازد.

مقدمه

بخش صنعت یکی از بخشهای اقتصادی هر کشور است که توانایی‌های زیادی در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده دارد. این بخش همچنین تأمین‌کننده ماشین‌آلات، تجهیزات و سایر نیازهای بخش‌های دیگر از جمله، بخش‌های تولیدی و خدماتی بوده و در نتیجه نیروی محرکه توسعه اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود. (۱)

به عبارت دیگر این بخش زیربنای همه بخشهای تولیدی به حساب آمده و توسعه تمامی فعالیت‌های موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی در پرتو شکوفایی این بخش خواهد بود. به عنوان مثال در بخش کشاورزی نمی‌توان نقش ماشین‌آلات، تجهیزات ابزار و فرآورده‌های صنعتی را نادیده گرفت.

همچنین توسعه راهسازی، ساختمان‌سازی، تولید، انتقال و توزیع نیرو، حمل و نقل، مخابرات و دیگر وسایل ارتباطی و استفاده از منابع زیر زمینی و... هیچکدام بدون پشتیبانی و همکاری بخش صنعت نمی‌توانند مسیر رشد و ترقی را پیموده و پاسخگوی نیازهای امروزین جوامع باشند.

بنابراین اتخاذ سیاست‌های اصولی و منسجم برای افزایش سرمایه‌گذاری صنعتی به منظور رشد این بخش، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است، لذا این سیاست‌ها بایستی بر پراکندگی متناسب و موزون صنایع در سرتاسر کشور مبتنی باشد.^(۲) بدین منظور در این مقاله، با استفاده از آمارهای صنعتی کل کشور، چگونگی توزیع واحدها و اشتغال‌های صنعتی در سراسر کشور بررسی خواهد شد.

هدف بررسی

پراکندگی متناسب و متعادل واحدهای صنعتی در کل کشور، سنگ بنای توسعه همه جانبه خواهد بود. هدف این مقاله بررسی پراکندگی و یا تمرکز واحدها و فعالیت‌های صنعتی در کل کشور است.

روش بررسی

این مقاله با استفاده از روس کتابخانه‌ای و اسنادی فراهم آمده و بدین منظور پس از استخراج آمار واحدهای صنعتی فعال در سالهای ۶۷ و ۶۵-۶۱ و سه ماهه اول سال ۱۳۷۵ به درصدگیری و رسم نمودارهای مربوطه پرداخته است.

دستاوردهای بررسی

- پس از در صدگیری از آمارهای اخذ شده و همچنین رسم نمودارها و تحلیل ارقام و اعداد موجود، نتایج زیر از این بررسی به دست آمده است.
- (الف) با افزایش سهم نسبی استانهای کم توسعه یافته در فعالیت‌های صنعتی، پراکندگی صنایع در شهرهای کشور متداولتر شده است.
- (ب) با سیاست‌های جدید پس از انقلاب؛ از تمرکز فعالیت‌های صنعتی در شهرهای بزرگ جلوگیری شده به نحوی که، سهم نسبی شهرهای بزرگ (نسبت به کل کشور) روندی کاهشی داشته است.
- (ج) با تداوم سیاست پراکندگی منطقی و سازماندهی استقرار واحدهای صنعتی در سطح کشور، زمینه برای توزیع عادلانه‌تر و مناسب‌تر صنعت بر اساس استعدادها، قابلیت‌ها و نیازهای مناطق مختلف فراهم شده است.
- (د) در طول برنامه‌های ۵ ساله اول و دوم توسعه برای تحقق اهداف محرومیت زدایی، عدالت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت‌های بی مورد، سیاست صنعتی در جهت تعادل منطقه‌ای سوق داده شده است.

پراکندگی واحدهای صنعتی کشور

الف) قبل از انقلاب اسلامی

قبل از انقلاب ویژگی نظام صنعتی کشور عبارت بود از:

- وابستگی شدید به درآمد حاصل از فروش نفت به ویژه پس از بالا رفتن قیمت نفت از سال ۱۳۵۲ به بعد.

- تمرکز در مراکز استانها و به ویژه تهران برای ایجاد قطب‌های صنعتی.

- نبودن رابطه‌ای متناسب و منطقی بین بخش صنعت با سایر بخشهای اقتصادی در کل کشور،

تمرکز هر چه بیشتر، واحدهای صنعتی را در شهرهای بزرگ در پی داشت و

این امر باعث عدم توسعه سایر نقاط کشور شده بود. (۳)

به عنوان مثال مطابق آمارنامه صنعتی در سال ۱۳۶۱ درصد واحدهای صنعتی

نسبت به کل کشور در استان ایلام ۰/۱ و چهار محال بختیاری ۰/۳ درصد بوده در حالیکه در همین سال در تهران ۳۷/۶ و مازندران ۱۴/۷ درصد بوده است.

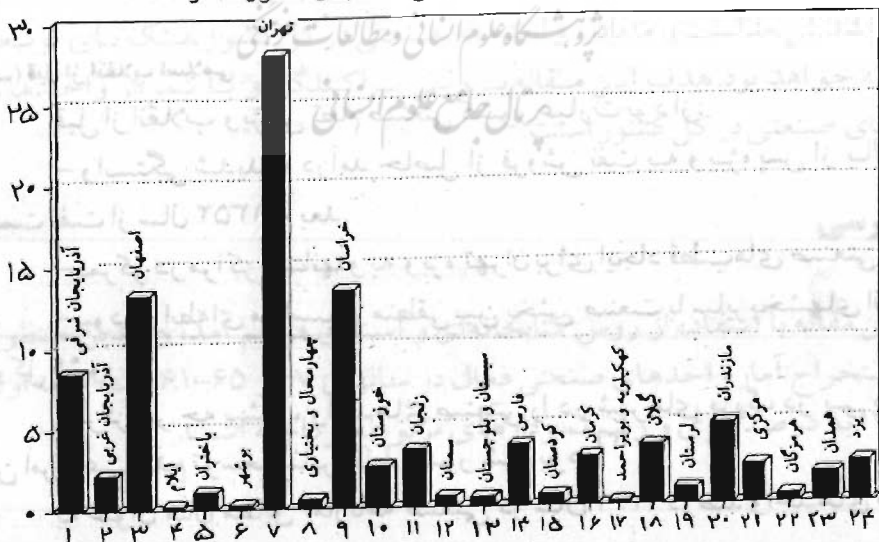
ب) بعد از انقلاب اسلامی

متأسفانه پس از انقلاب تمرکز واحدهای صنعتی در تعداد اندکی از استانها، همانند قبل از انقلاب ادامه داشته است. طوری که بیشترین شاغلان صنعتی در استانهایی از قبیل تهران، اصفهان، مازندران و گیلان و فارس بوده و سایر استانها درصد کمی از شاغلان صنعتی را به خود اختصاص داده که ادامه روند گذشته در تمرکز گرایي بوده است. (۴)

مثلاً، کهگیلویه و بویراحمر ۰/۲ درصد، بوشهر و ۰/۳ درصد و ایلام ۰/۲۵ درصد از شاغلان صنعتی کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در صورتی که تهران ۲۸/۱ درصد، اصفهان ۱۳/۳ و خراسان ۱۳/۵ درصد از شاغلان صنعتی را در خود جای داده‌اند. نمودار شماره ۱ این مقایسه را به خوبی نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱: شاغلان صنعتی استانهای کشور، آمار ۱۳۶۵



درصد شاغلان صنعتی در هر استان نسبت به کل کشور:

آذربایجان شرقی ۸/۵، آذربایجان غربی ۲/۲، اصفهان ۱۳/۳، ایلام ۰/۲۵، باختران ۱/۱، بوشهر ۰/۳، تهران ۲۸/۱، چهار محال و بختیاری ۰/۶، خراسان ۱۳/۵، خوزستان ۲/۶، زنجان ۳/۶، سمنان ۰/۷، سیستان و بلوچستان ۰/۶، فارس ۳/۸، کردستان ۰/۷، کرمان ۳، کهگیلویه و بویراحمد ۰/۲، گیلان ۳/۷، لرستان ۱، مازندران ۵، استان مرکزی ۲/۴، هرمزگان ۰/۵، همدان ۱/۸، یزد ۲/۵ درصد.

منحنی لورنس

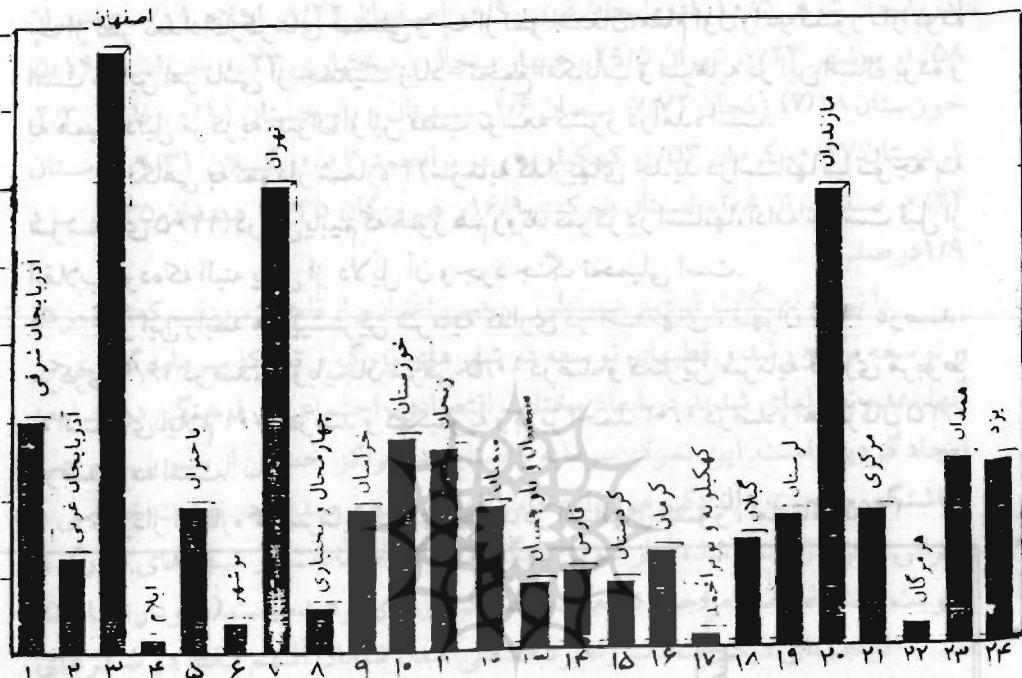
یکی از طرق شناخت و تشخیص تمرکز صنعتی و در کشور در بین استانها، استفاده از منحنی لورنس است. با توجه به این منحنی در می یابیم که متمرکزترین استانها به ترتیب عبارتند از: استانهای مرکزی، مازندران و آذربایجان غربی و آنها که دارای کمترین تمرکز بوده و از نظر داشتن واحدهای صنعتی فقیر می باشند عبارتند از: استانهای ایلام، هرمزگان، سمنان، بویراحمد، بوشهر و کردستان که به خط تعادل نزدیکتر هستند. (۵)

شایان ذکر است که در این منحنی گودترین قسمت مربوط به متمرکزترین استانها بوده و نزدیکی به خط تعادل نشانه عدم تمرکز است. (۶) با توجه به این تمرکزها می بینیم که همان روند قبلی سیاستگذاریهای صنعتی قبل از انقلاب تا ۱۳۶۵ ادامه داشته ولی آمار سه ماهه اول سال ۱۳۷۵ بر عکس این روند را نشان می دهد. در نمودار شماره ۲ این تمرکز و عدم تمرکز به خوبی نمایان است.

در نمودار شماره ۳ تعداد کل صنایع استانها در سال ۱۳۶۵ نشان داده شده است. در این سال بیشترین تعداد صنایع به ترتیب در استانهای اصفهان، ۱۵/۵٪، تهران ۱۲٪، مازندران ۱/۷٪، آذربایجان شرقی ۶٪، خوزستان ۵/۵٪ متمرکز بوده و سایر استانها درصد کمی را به خود اختصاص داده اند. مثلاً استان هرمزگان ۰/۵۷ درصد، ایلام ۰/۳۸ درصد، سیستان و بلوچستان ۱/۷ درصد، از کل صنایع را به خود اختصاص داده اند.

نمودار شماره ۳: تعداد واحدهای صنعتی در استانها نسبت به کل کشور ۵۱۲/۲

اصفهان



درصد واحدهای صنعتی در هر استان نسبت به کل کشور

درصد این واحدها در کل کشور به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

آذربایجان شرقی ۶، آذربایجان غربی ۲/۵، اصفهان ۱۵/۵، ایلام ۰/۳۸، باختران ۳/۸، بوشهر ۰/۸، تهران ۱۲، چهارمحال و بختیاری ۱/۲، خراسان ۳/۷، خوزستان ۵/۵، چابکوه ۵/۲، سمنان ۳/۷، سیستان و بلوچستان ۱/۷، فارس ۲، کردستان ۱/۷، کرمان

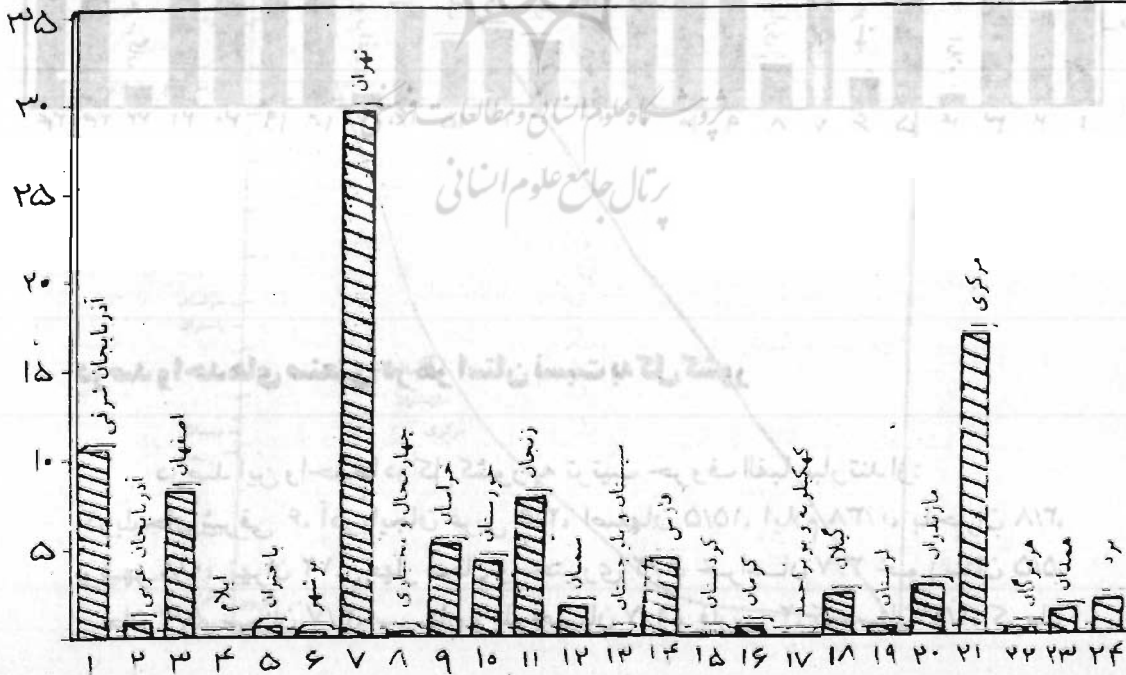
۲/۵، کهگیلویه و بویر احمد ۰/۳۵، گیلان ۲/۸، لرستان ۳/۴، مازندران ۱۱/۷، استان مرکزی ۲/۴، هرمزگان ۰/۵۷، همدان ۱/۸، یزد ۴/۷ درصد.

به خوبی در می‌یابیم که استان تهران همواره با اختلاف زیادی از سایر استانها چه از نظر تعداد کارگرهای صنعتی و چه از نظر اشتغال، مقام اول را در کشور دارا بوده است که این امر ناشی از جمعیت زیاد - تجمع امکانات و سرمایه در این استان بوده و به همین دلیل مرکز به عنوان اولین قطب توسعه کشور درآمده است. (۷)

با نگاهی به نمودار شماره ۴ (سرمایه گذاریهای جدید در استانها با توجه به سرشماری ۱۳۶۵) در می‌یابیم که هنوز هم روند تمرکز در استانها، ادامه سیاست قبل از انقلاب بوده که البته یکی از دلایل آن وجود جنگ تحمیلی است.

در این رابطه هم بیشترین سرمایه گذاری در استانهای، تهران ۲۹/۵ درصد، مرکزی ۱۶/۹ درصد، آذربایجان شرقی ۱۰/۵ درصد و کمترین سرمایه گذاری مربوط به استانهای ایلام ۰/۰۱ درصد و کهگیلویه و بویر احمد ۰/۰۳ درصد و هرمزگان ۰/۳۵ درصد بوده است.

نمودار شماره ۴: سرمایه گذاری جدید در استانهای کشور، آمارنامه ۱۳۶۵



درصد سرمایه گذاری پس از انقلاب در استانهای کشور

درصد این سرمایه گذاری در ۲۴ استان کشور عبارتند از: آذربایجان شرقی ۱۰/۵، آذربایجان غربی ۰/۹، اصفهان ۸/۲۲، ایلام ۰/۰۱، باختران ۰/۵۸، بوشهر ۰/۲۴، تهران ۲۹/۵، چهار محال و بختیاری ۰/۲۳، خراسان ۵/۱۴، خوزستان ۴/۱۸، زنجان ۷/۷۲، سمنان ۱/۶، سیستان و بلوچستان ۰/۱۱، فارس ۴/۳، کردستان ۰/۱۷، کرمان ۰/۵۳، کهگیلویه و بویراحمد ۰/۰۳، گیلان ۲/۳۱، لرستان ۰/۴۴، مازندران ۲/۸، استان مرکزی ۱۶/۹، هرمزگان ۰/۳۵، همدان ۱/۳۵، یزد ۱/۹ درصد.

با توجه به نکات فوق و همینطور بررسی اعداد و ارقام در می یابیم که، با تمرکز و توسعه مراکز رشد و قطبهای توسعه در شهرهای بزرگ و تمرکز سرمایه گذاری در آنها، عدم تعادل‌های شدید در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایجاد گردیده است. این تمرکز سرمایه و صنایع در مراکز خاص از سویی موجب انباشتگی جمعیت، آلودگی هوا، ازدحام، افزایش سر و صدا و در نهایت خرابی و ویرانی محیط زیست شده و از سویی دیگر تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ و تقویت بخش صنعت موجب تضعیف بخش کشاورزی گردیده است. (نمودار شماره ۵) از جنبه‌ای دیگر انتخاب راهبرد صنعتی شدن شتابان آنها فقط در شهرهای بزرگ و استانهای توسعه یافته‌ای مثل تهران، اصفهان، آذربایجان، مرکزی و... باعث شده که رشد جمعیت شهرها و شهرنشینی نه تنها از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرآیند صنعتی شدن تبعیت نکند بلکه باعث به وجود آمدن یک سلسله عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی و در هم ریختگی تعادل‌های زیست محیطی بشود. (۸) به عبارت دیگر شتاب فزاینده تمرکز جمعیت، سرمایه و صنعت در چند شهر مشخص علاوه بر اینکه توازن و تعادل منطقه‌ای را بر هم زده فرآیند تخریب محیط زیست را نیز شدت بخشیده است.

با توجه به آمارهای سال ۱۳۷۵ در جدول شماره ۱ و ۲ در می یابیم که همان روند تمرکز قبل از انقلاب وجود دارد که دلایل آن به قرار زیر است:

۱- اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایران پس از انقلاب در

سال ۱۳۶۸ شروع شد؛

۲- وجود جنگ عدم سیاست گذاری مشخص در جهت عدم تمرکز هم یکی از دلایل ادامه روند گذشته بوده؛

۳- برنامه ششم قبل از انقلاب تا سال ۱۳۶۱ ادامه داشته؛

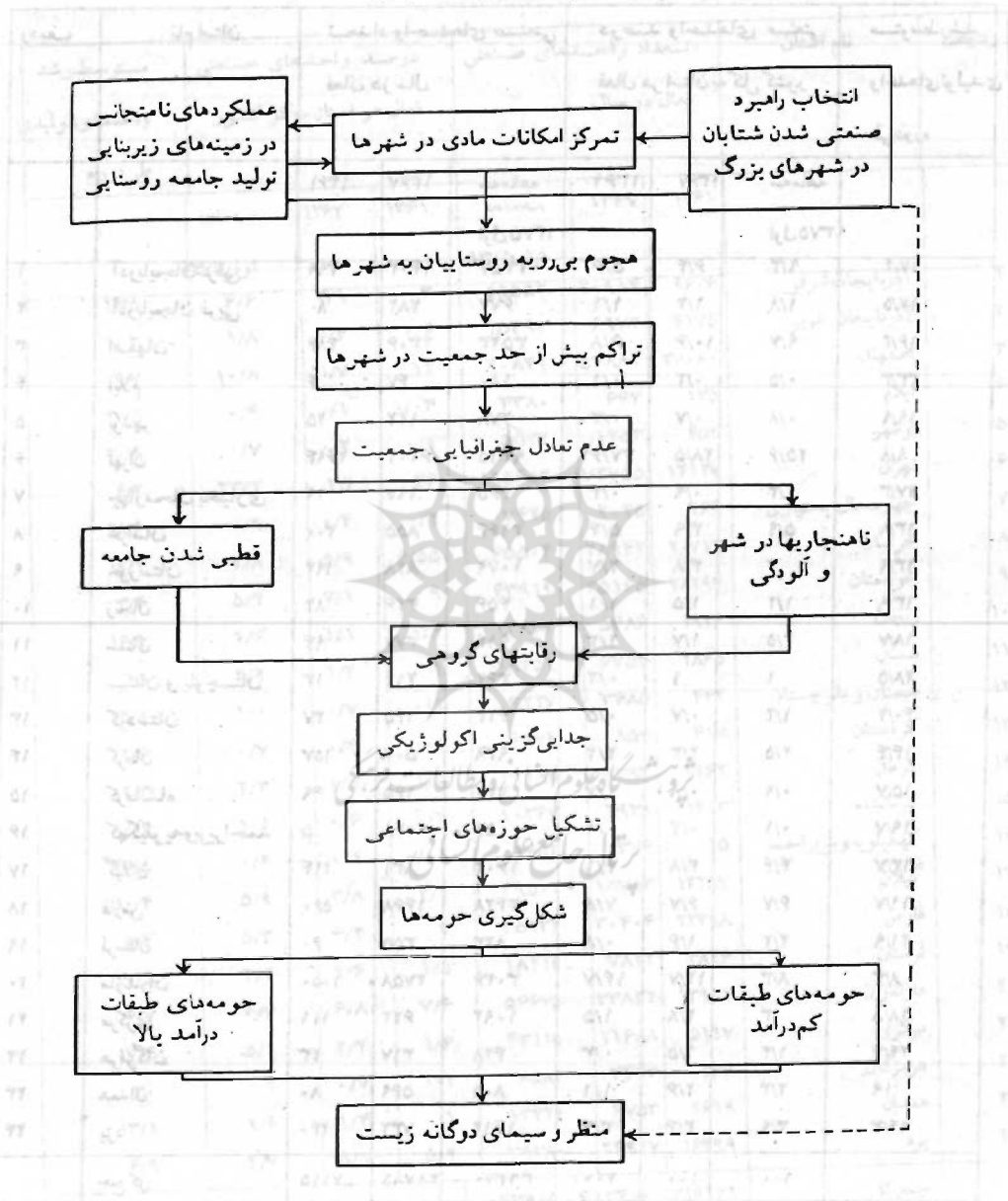
۴- این آمارها در حقیقت سیاستگذاری رژیم گذشته در زمینه صنعتی شدن می‌باشند.

این عدم تعادلها در توزیع منطقی فعالیتهای صنعتی در کشور، معلول سیستم تمرکزگرایی در این گستره جغرافیایی بوده است. علل ایجاد این تمرکز در حقیقت ناشی از کمبود زیر ساختها در بیشتر استانهای توسعه نیافته و تمرکز سرمایه در تعداد اندکی از استانها و بطور کلی عوامل متعدد اقتصادی - اجتماعی حاصل از برنامه رشد صنعتی شتابان بوده است.^(۱۰)

بعد از انقلاب سیاست مسؤولان بر این نکته استوار بوده که از تمرکز جلوگیری شده و فعالیتهای اقتصادی در تمام سطح کشور بطور متعادل توزیع شود و در سالیان اخیر سعی شده که از تمرکز فعالیت‌های صنعتی در شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل آید. در واقع ایجاد توازن و تعادل در الگوی استقرار جمعیت و فعالیتهای صنعتی، به سیاستها و استراتژیهای توسعه ملی بستگی دارد که این مهم بعد از انقلاب به منصفه ظهور رسیده است.^(۱۱) به نحوی که (جدول شماره ۱ - ۲) سهم نسبی شهرهای بزرگ از فعالیتهای صنعتی نسبت به کل کشور روندی کاهشی داشته و برعکس سهم نسبی استانهای توسعه نیافته افزایش داشته است و در نتیجه پراکندگی جغرافیایی صنایع در کل کشور رو به متعادل شدن می‌رود.

همانطور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود بیشترین رشد سالانه از نظر تعداد واحدهای صنعتی طی سالهای ۶۱ تا سه ماهه اول ۱۳۷۵ به ترتیب مربوط به استانهای، ایلام ۳۳/۲ درصد، سیستان و بلوچستان ۲۸/۵ درصد، چهار محال بختیاری ۲۷/۳ درصد، هرمزگان ۲۴/۷ درصد، لرستان ۲۱/۹ درصد، کردستان ۲۰/۲ درصد، بوده که قبلاً دارای تعداد معدودی واحدهای صنعتی بوده‌اند. هر چند که تعداد واحدهای صنعتی در سالهای مورد بررسی در استانهای فوق همواره روندی افزایشی داشته ولی سهم این استانها نسبت به کل کشور تا وضع مطلوب فاصله زیادی دارد.

نمودار شماره ۵: چشم انداز حاصل از انتخاب استراتژی صنعتی شدن در شهرهای بزرگ در ایران



جدول شماره ۱: تعداد، درصد و متوسط واحدهای صنعتی فعال طی سالهای مختلف

ردیف	نام استان	تعداد واحدهای صنعتی فعال در سال			درصد واحدهای صنعتی فعال مراستان به کل کشور			متوسط رشد واحدهای تولیدی طی دوره
		۱۳۶۱	۱۳۶۷	سه ماهه اول ۱۳۷۵	۱۳۶۱	۱۳۶۷	سه ماهه اول ۱۳۷۵	
۱	آذربایجان شرقی	۳۹۹	۱۴۰۳	۳۳۵۷	۵/۶	۶/۴	۹/۳	
۲	آذربایجان غربی	۸۰	۲۸۲	۶۷۷	۱/۱	۱/۲	۱/۸	
۳	اصفهان	۴۸۴	۲۳۰۶	۳۵۲۳	۶/۸	۱۰/۶	۹/۷	
۴	ایلام	۴	۴۷	۱۸۰	۰/۱	۰/۲	۰/۵	
۵	بوشهر	۲۵	۱۲۲	۲۷۸	۰/۳	۰/۷	۰/۸	
۶	تهران	۲۶۹۴	۶۲۰۲	۹۳۱۵	۳۷/۶	۲۸/۵	۲۵/۶	
۷	چهارمحال بختیاری	۱۹	۱۹۷	۴۶۵	۰/۳	۰/۹	۱/۳	
۸	خراسان	۳۰۰	۸۵۵	۲۱۶۴	۵/۴	۳/۹	۵/۹	
۹	خوزستان	۱۹۲	۸۲۸	۱۰۷۹	۲/۷	۳/۸	۳	
۱۰	زنجان	۸۲	۳۲۶	۴۵۶	۱/۱	۱/۵	۱/۲	
۱۱	سمنان	۹۴	۳۷۷	۹۱۴	۱/۳	۱/۷	۲/۵	
۱۲	سیستان و بلوچستان	۱۳	۲۱۴	۳۶۲	۰/۲	۱	۱	
۱۳	کردستان	۳۷	۱۴۵	۴۲۳	۰/۵	۰/۷	۱/۲	
۱۴	کرمان	۱۵۷	۵۰۷	۹۳۸	۲/۲	۲/۳	۲/۵	
۱۵	کرمانشاه	۴۹	۱۶۵	۳۳۷	۰/۷	۰/۸	۰/۹	
۱۶	کهگیلویه و بویراحمد	۵	۴۸	۵۴	۰/۱	۰/۲	۰/۱	
۱۷	گیلان	۲۹۴	۸۳۱	۱۶۰۳	۴/۱	۳/۸	۴/۴	
۱۸	فارس	۵۶۰	۱۴۶۸	۲۴۲۸	۷/۸	۶/۷	۶/۷	
۱۹	لرستان	۶۰	۳۵۵	۸۲۳	۰/۸	۱/۶	۲/۲	
۲۰	مازندران	۱۰۵۰	۲۷۵۸	۳۰۳۶	۱۴/۷	۱۲/۷	۸/۳	
۲۱	مرکزی	۱۱۱	۶۲۲	۱۰۹۲	۱/۵	۲/۸	۳	
۲۲	هرمزگان	۲۳	۳۱۷	۴۲۸	۰/۳	۱/۵	۱/۲	
۲۳	همدان	۸۰	۵۶۹	۸۰۵	۱/۱	۲/۶	۲/۲	
۲۴	یزد	۲۴۰	۷۳۲	۱۴۱۲	۳/۴	۳/۴	۳/۹	
	جمع کل	۷۱۶۵	۲۱۷۸۶	۳۶۲۷۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

جدول شماره ۲: تعداد، درصد اشتغال، متوسط رشد طی سالهای مختلف

ردیف	نام استان	تعداد واحدهای صنعتی فعال در سال			درصد واحدهای صنعتی فعال هر استان به کل کشور			متوسط رشد واحدهای تولیدی طی دوره
		۱۳۶۱	۱۳۶۷	سه‌ماهه اول ۱۳۷۵	۱۳۶۱	۱۳۶۷	سه‌ماهه اول ۱۳۷۵	
		۱	آذربایجان شرقی	۹۶۰۶	۲۰۹۱۴	۵۵۵۵۲	۳	
۲	آذربایجان غربی	۴۲۷۵	۶۹۷۲	۱۵۴۹۷	۱/۴	۱/۴	۱۰/۲	
۳	اصفهان	۳۸۰۶۰	۵۷۸۸۲	۹۰۸۴۹	۱۲	۱۱/۷	۶/۷	
۴	ایلام	۱۳۵	۶۶۳	۳۳۸۰	۰/۴	۰/۱	۲۷/۵	
۵	بوشهر	۴۵۲	۱۲۵۳	۵۵۳۲	۰/۱	۰/۲	۲۰/۹	
۶	تهران	۱۴۱۲۷	۱۷۲۷۵۵	۱۹۵۶۵۳	۳۶	۳۵	۴/۲	
۷	چهارمحال بختیاری	۲۶۶	۲۰۲۵	۷۴۲۵	۰/۱	۰/۴	۲۸/۶	
۸	خراسان	۲۰۷۱۳	۲۸۹۴۲	۶۵۵۰۴	۶/۵۵	۵/۹	۹/۱	
۹	خوزستان	۲۸۲۹۴	۳۵۱۶۵	۴۳۹۱۹	۹	۷/۱	۳/۴	
۱۰	زنجان	۱۹۲۶	۵۴۸۶	۱۳۹۷۷	۰/۶	۱/۱	۱۶/۱	
۱۱	سمنان	۲۸۶۵	۶۷۵۷	۱۸۳۵۱	۱	۱/۴	۱۵	
۱۲	سیستان و بلوچستان	۴۴۲	۳۴۸۵	۹۲۲۷	۰/۱	۰/۷	۲۵/۸	
۱۳	کردستان	۴۱۷	۱۸۵۷	۶۱۷۹	۰/۱	۰/۴	۲۲/۶	
۱۴	کرمان	۴۱۶۲	۸۳۹۳	۱۹۲۸۲	۱/۳	۱/۷	۱۲/۳	
۱۵	کرمانشاه	۱۴۱۳	۲۹۳۹	۱۰۳۶۷	۰/۴	۰/۶	۱۶/۲	
۱۶	کهگیلویه و بویراحمد	۱۵	۳۷۶	۱۸۵۲	۰/۱	۰/۱	۴۳/۸	
۱۷	گیلان	۱۳۲۹۷	۱۸۷۵۳	۴۹۵۰۱	۴/۲	۳/۸	۱۰/۴	
۱۸	فارس	۲۲۳۹۸	۳۰۴۰۴	۴۵۱۳۲	۷	۶/۲	۵/۴	
۱۹	لرستان	۴۸۲۶	۷۸۲۲	۱۸۲۱۴	۱/۵	۱/۶	۱۰/۵	
۲۰	مازندران	۲۳۹۵۱	۳۳۸۳۲	۵۶۶۷۵	۷/۶	۶/۸	۶/۷	
۲۱	مرکزی	۵۱۱۷	۱۱۶۸۸	۴۳۱۱۵	۱/۶	۲/۴	۱۷/۴	
۲۲	هرمزگان	۲۶۶	۳۴۲۳	۸۵۸۷	۰/۱	۰/۷	۳۰	
۲۳	همدان	۲۶۱۹	۶۷۵۳	۱۳۳۲۹	۱	۱/۴	۱۳/۱	
۲۴	یزد	۱۶۴۹۹	۲۴۹۲۷	۳۹۷۸۰	۵/۲	۵/۱	۶/۹	
	جمع کل	۳۱۶۱۴۱	۴۹۳۴۶۶	۸۴۳۹۸۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

سهم تعداد کارگاههای فعال صنعتی در استانهای ایلام، سیستان و بلوچستان، چهار محال بختیاری، هرمزگان، لرستان، به ترتیب از ۰/۱، ۰/۳، ۰/۳، ۰/۸، ۰/۵، ۰/۵، ۰/۳، ۱/۲، ۱/۳، ۱/۲، ۲/۳ و ۱/۲ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافته در حالیکه سهم نسبی واحدهای صنعتی بویژه در استان تهران کاهش داشته است. (جدول شماره ۱)

چنانچه استانها را با شاخص اشتغال صنعتی مورد مقایسه قرار دهیم در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا سه ماهه اول ۱۳۷۵ بیشترین رشد به ترتیب به استانهای، کهگیلویه و بویر احمد ۴۳/۸ درصد، هرمزگان ۳۰ درصد، چهار محال بختیاری ۲۸/۶ درصد، ایلام ۲۷/۵ درصد، سیستان و بلوچستان ۲۵/۸ و کردستان ۲۲/۶ درصد تعلق داشته است. (جدول شماره ۲)

همانطور که ملاحظه می شود توجه ویژه‌ای به استانهای توسعه نیافته مبذول شده است تا جایی که سهم نسبی اشتغال صنعتی استانهای فوق (نسبت به کل کشور) بین ۷ تا ۴۰ برابر افزایش یافته است. در حالی که در استانهای توسعه آهنگ رشد در مقایسه با استانهای توسعه نیافته کمتر بوده است.

بر این اساس استانهای، خوزستان ۳/۴ درصد، تهران ۴/۲ درصد، فارس ۵/۴ درصد، مازندران ۶/۷ درصد، اصفهان ۶/۷ درصد و یزد ۶/۹ درصد به ترتیب کمترین رشد اشتغال صنعتی را داشته‌اند تا جایی که سهم اشتغال صنعتی این استانها به ترتیب نسبت به سال (۱۳۶۱) از ۹ به ۵/۲، از ۳۶ به ۲۳/۳، از ۷ به ۵/۳، از ۷/۶ به ۶/۷، از ۱۲ به ۱۰/۸ و از ۵/۲ به ۴/۷ درصد کاهش داشته است. این ارقام نشان دهنده سیاست عدم تمرکز صنعتی در استانهای توسعه نیافته بوده که در برنامه اول و دوم توسعه مبنای کار قرار گرفته است. (جدول شماره ۲)

کاهش سهم اشتغال صنعتی استانهای تهران - اصفهان و یزد به نفع افزایش سهم در سایر استانهای محروم حاکی از عملکرد مثبت سیاست‌های عدم تمرکز است. بنابراین لازم است با ادامه سیاست عدم تمرکز و پراکندگی منطقی واحدهای صنعتی در کل کشور، واحدهای صنعتی به نحو مناسبی در کل کشور بالاخص به نفع استانهای محروم توزیع شوند. از پیامدهای این توزیع هماهنگ جلوگیری از مهاجرت بی رویه به شهرها و استانهای توسعه یافته بوده که اهداف محرومیت زدایی و گسترش عدالت اجتماعی محقق خواهد شد. همچنین استعدادها و قابلیت‌های مناطق مختلف کشور شکوفا شده و نیازهای آنان برآورده می‌گردد. در حقیقت توسعه هم عبارت است از: ارتقای زندگی و کیفیت زیست،

دستیابی کل جامعه به تمام امکانات، تسهیلات، تجهیزات و توزیع متعادل فعالیت‌های اقتصادی^(۱۴) در کل کشور که با توجه به اصل عدم تمرکز در جمهوری اسلامی، این مهم عملی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

- ۱- سیاست صنعتی کشور در سالهای قبل از انقلاب مبتنی بر ایجاد واحدهای صنعتی در شهرهای توسعه یافته، بویژه مراکز استانها بوده و این سیاست باعث تمرکز بیشتر و عدم تعادل بین بخش‌های مختلف کشور شده است؛
- ۲- انتخاب راهبرد صنعتی شدن شتابان آن‌هم فقط در شهرهای بزرگ و استانهای توسعه یافته‌ای مثل تهران، اصفهان، آذربایجان، مرکزی و... باعث شده که سلسله عدم تعادل‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کل کشور ایجاد بشود.
- ۳- عدم تعادل‌های فوق حاصل سیستم تمرکز گرایی و توجه به قطب صنعتی بوده و علل ایجاد این تمرکزها در حقیقت ناشی از کمبود زیر ساخت‌ها، تمرکز سرمایه‌ها و سایر امکانات اقتصادی بوده است؛
- ۴- استان تهران با توجه به مطالب فوق چه از نظر تعداد واحدهای صنعتی و چه از نظر اشتغال در صنعت، از سایر استانها جلوتر بوده است،
- ۵- پس از انقلاب اسلامی سیاست صنعتی بر این اصل استوار بوده که از تمرکز جلوگیری شده و فعالیت‌های اقتصادی در سطح کشور بطور متعادل توزیع شود.
- ۶- با تداوم این سیاست، پراکنندگی منطقی و ساماندهی استقرار واحدهای صنعتی در سطح کشور با توجه به قابلیت‌ها و نیازهای مناطق مختلف فراهم شده است؛
- ۷- سیاست عدم تمرکز بعد از انقلاب باعث شده که بیشترین متوسط رشد واحدهای صنعتی در طول سالهای ۱۳۶۱ تا سه ماهه ۱۳۷۵ مربوط به استانهای ایلام، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و چهار محال بختیاری باشد؛
- ۸- بیشترین متوسط رشد اشتغال در واحدهای صنعتی طی دوره فوق مربوط به استانهای مذکور است؛
- ۹- سر انجام این که در برنامه‌های اول و دوم بعد از انقلاب برای تحقق اهداف عدم تمرکز، محرومیت زدایی، گسترش عدالت اجتماعی و جلوگیری از تورم صنعتی در نقاط خاصی از کشور، به ایجاد پراکنندگی مناسب واحدهای صنعتی در کل کشور توجه شده است.

منابع و یادداشتها

- ۱- اپل، م، جیمز: طرح ریزی واحدهای صنعتی، ترجمه اردوان آصف، نشر تندر، تهران، ۱۳۷۲،
- ۲- قره نژاد، حسن: جغرافیای تعیین محل صنایع، انتشارات کبیر، اصفهان، ۱۳۷۲: ص ۶۶
- ۳- مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه شناسی و توسعه، جلد دوم، سمت، تهران ۱۳۷۳، ص ۵۵
- ۴- همان، ص ۶۲
- ۵- جغرافیای تعیین محل صنایع، صص ۱۱، ۱۲ و ۱۴
- ۶- همان، ص ۱۲
- ۷- روزنامه ایران، ۱۳۷۵
- ۸- مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه شناسی و توسعه، جلد دوم، سمت، تهران ۱۳۷۳، ص ۵۹
- ۹- همان، ص ۷۳
- ۱۰- جغرافیای تعیین محل صنایع، ص ۱۸۳
- ۱۱- روزنامه ایران، ۱۳۷۵
- ۱۲- طرح آمارگیری صنعتی سال ۱۳۶۸، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۷۲، صص ۱۵ و ۱۴
- ۱۳- همان، ص ۳۱
- 14- Coward, 1987, p 65.